"نعمت الهی" یا زهرتلخ ؟

"بدا بحال من که هنوز مانده ام وجام
زهرآلود قبول قطعنامه را سرکشیده ام"

از پیام خمینی بمناسبت قبول
قطعنامهٔ ۵۹۸ سازمان ملل

تحمیل آتش بس به جنگ افروزان جمهوری اسلامی ونوشاندن زهرکشنده به دیوخون آشام در بستر مرگ سیاسی، نظامی وفیزیکی، بزرگترین پیروزی مردم دلاور ایران بعد از انقلاب بهمن بشمار می‌آید. درود بر فرزندان غیورتوده های زحمتکش که نه تنها متجاوزرا از خاک میهن بیرون راندند بلکه اسطورهٔ امپراتوری اسلامی را با مقاومت قهرمانانهٔ خود علیه جنگ وفاشیسم به زباله دان تاریخ افکندند !

سقراط فیلسوف جام زهررا سرکشید تا با شهادت افتخارآمیز به آرمانهای حقیقت جویانهٔ خویش حیات ابدی بخشد. خمینی آخوند "زهرتلخ" را نوشید تا چندصباحی به زندگی سراپا جنایت خود ادامه داده ،به دروغهای حیله گرانهٔ خود از قبیل "آزادی قدس از راه کربلا"، "سرنگونی صدام" و...بعد از ۸ سال خونریزی وویرانی میهن اعتراف کرده وباسوارشدن برموج صلح طلبی مردم رژیم فاشیستی- مذهبی خودرا از بن بست جنگی محکوم به شکست نجات دهد. ولی مردم دیگراین پیر کفتارروباه صفت را شناخته اند. تهران سال ۱۳۶۷ دیگرپاریس (زیردرخت سیب) سال ۱۳۵۷ نیست ! مظلوم نمائی، ابراز "شرمساری درمقابل مردم"، "معاملهٔ آبروباخدا "وتبدیل ناگهانی "امت" به "ملت ایران" درپیام تاریخی خمینی جهت توجیه قبول آتش بس و...هیچکدام نمیتوانند مجریان سیاست "جنگ جنگ تا پیروزی" را از پرداختن تاوان این همه جنایت ،یعنی کشتار بیش از ۱/۵ میلیون جوان ایرانی وعراقی، مجروح ومعلول کردن ۳ میلیون وآواره ساختن ۵ میلیون مردم بیگناه دوکشور ،نجات دهد. دادگاه خلق قاطع ترازدادگاه "نورنبرگ" درانتظاراین جنایت- کاران جنگ است .وروزچنین دادگاهی چندان دورنیست ،چراکه قبول آتش بس جهشی است کیفی درروند اضمحلال رژیم پوسیدهٔ جمهوری اسلامی.

نگاهی کوتاه به اوضاع کشوری، منطقه ای وجهانی کنونی میتواند علل ایجادچنین چرخش ناگهانی را درسیاست "صادرکنندگان انقلاب اسلامی" روشن ترسازد. هاشمی رفسنجانی دریک مصاحبه رادیو - تلویزیونی ومطبوعاتی که در ۲۸ تیر، یک روزبعد از پذیرش آتش بس درروزنامه های تهران چاپ شد، گفت :

"این اواخرروشن شدکه ممکن است حوادث بسیارتلخی پیش بیاید وتوی منطقه اتفاق بیافتدکه نقطه عطف اش همان سقوط هواپیمای مسافربری ما بود... بعد از سقوط هواپیما بحث جدی شروع شد... تا قبل از حادثهٔ سقوط هواپیمای مسافربری ایران، بحث درزمینهٔ قبول قطعنامهٔ ۵۹۸ اصلا مطرح نبود".

این گفتهٔ رفسنجانی معجونی است ماهرانه از دروغ وحقیقت .دروغ بزرگ وآشکارش این است که تروریستها وآدم ربایان از نوع اسلامی گویا دلشان بحال مردم بیگناه که قربانی تروریسم از نوع آمریکائی شده اند ،میسوزد .ولی حقیقت این است که احتمال وقوع "حوادث بسیارتلخ" رژیم را بعد از جنایت آمریکا بفکرپذیرش آتش بس انداخت . البته آنچه رفسنجانی نمیگوید اینستکه با یکوت مراسم دولتی که جهت اعتراض به این جنایت برپا شده بود ،توسط مردم باعث تخریب روحیه حزب الله وتشدید تضادها وجروبحثهای سران رژیم گشته بود. درمراسمی از این نوع که در گذشته صدها هزار نفرشرکت میکردند ،طبق گزارش خبرنگاران خارجی اینبار حدودا ۵ الی ۱۰ هزار نفربیشتر "درصحنه حاضر "نبودند. منظوررفسنجانی از "نقطهٔ عطف" درمصاحبه اش همین است ،یعنی

نقطه عطف درپشت کردن مردم به جمهوری اسلامی! درماندگی وبی‌عملی رژیم نیز درپاسخ به این جنایت هولناک درواقع ازفلج شدن توان تصمیمگیری سران ولایت فقیه، ناشی ازمقاومت سرسختانهٔ مردم علیه جنگ وفاشیسم سرچشمه میگیرد که عدم حضور مردم درمراسم مذکور فقط نمونه‌ای ازآن است. البته "حوادث بسیار تلخی" که رفسنجانی درمصاحبه‌اش بدان اشاره میکند وجمهوری اسلامی آبستن آن است، تنها به این مسئله ختم نمیشود.

درزمینهٔ اقتصادی، بیکاری وفقر، تورم وگرانی، کمبود ارزاق عمومی وبازار سیاه کالاهای گوناگون بخصوص مایحتاج اولیه زندگی، رکود صنایع، کمبود ارز وتاراج وپیش فروش نفت میهن را به ورشکستگی کامل سوق داده است که شدیدترین فشار این بحران بردوش توده‌های میلیونی رنج وکارسنگینی مینماید. ابعاد این بحران چنان وسیع است که دامنگیر خود دستگاه حکومتی نیز شده است، طوریکه رفسنجانی پس ازاعلام پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ سازمان ملل، در پیغامی به ریگان خواستار استرداد سپرده‌های راکد ایران بالغ بربیش ازیک میلیارد دلار درمقابل آزادی ۹ گروگان آمریکائی درلبنان شد، که البته موردقبول امپریالیسم آمریکا واقع نگردید. مسلما اگرجمهوری اسلامی درباتلاق ورشکستگی مالی دست وپا نمیزد، امروز دست گدائی رفسنجانی بطرف ریگان دراز نمی‌شد. بالاخره حزب الله که طی سالهای اخیر در سایه دلارهای نفتی بزندگی نسبتا مرفه وموقعیت ممتازاجتماعی رسیده بود، اگرجیره‌اش دراثر کمبود ارز کاهش یافته ویا حتی قطع میشد، به هیچوجه آرام نمی‌نشست. دراین رابطه قابل توجه است که بهای نفت خام دراثر افزایش تولید نفت عربستان سعودی ومتحدینش دراوپک دراواخر تیرماه به پائین ترین میزان خوددرطول دوسال اخیر تنزل یافت. بگذریم ازویرانی‌های ناشی ازجنگ که طبق آمارخودرژیم خساراتی معادل ۳۰۰ میلیارددلار (طبق منابع دیگری معادل ۵۰۰ میلیارددلار) به ایران واردکرده است. بنظرمی‌آید که وخامت بیش ازحد اوضاع اقتصادی و مالی حتی بلحاظ خریداسلحه ومهمات ازامپریالیستهای غرب و شرق نیزاجازهٔ ادامه جنگ را به رژیم نمیداد. گرچه این مسئله عامل عمده برای پذیرش آتش بس نبود بلکه همانطورکه گفته شد، عامل سیاسی یعنی مقاومت مردم علیه جنگ نقطهٔ کلیدی تعیین کننده برای تبدیل "نعمت الهی" به جام تلخ زهرآلودبود.

درزمینهٔ نظامی تبلورآشکار این مقاومت صلح‌طلبانه درشکستهای پی درپی درجبهه‌ها دیده میشد. شبه‌جزیرهٔ فاو- جزایرمجنون - بلندیهای سلیمانیه- شلمچه- زبیدات - حلبچه و... مانندمهره‌های "دومینو" یکی پس ازدیگری سقوط کردند. اگرعلت اصلی این شکست‌ها مقاومت آگاهانهٔ مردم علیه توسعه طلبی اسلامی خمینی نبود، چگونه میتوان توضیح‌داد که همین مردم درمقابل حملهٔ غیرمنتظرهٔ نیروهای عراق ومتحدین ایرانی‌شان (مجاهدین خلق) بعدازپذیرش آتش بس ازسوی ایران، که به تصرف ۱۰ شهرک درغرب کشورانجامیدوتا ۳۵کیلومتری کرمانشاه پیشروی نمود، یکپارچه برخاسته وعلیرغم شکست ارتش وسپاه (عراق ۱۲ هزارسرباز و سپاهی دراین نبردها به اسارت گرفت، یعنی حدودا نصف رقم کل اسرای ایرانی درطول جنگ) نیروهای نظامی مجاهدین وارتش عراق را به مرزهای بین المللی عقب راندند. هدف عراق از این حملهٔ ناگهانی تصرف کرمانشاه وبخش قابل ملاحظه‌ای ازغرب کشور وانگیزه‌اش بدست آوردن امتیازی درمذاکرات آتی با ایران برد که باشکست کامل مواجه شد. طبعا مجاهدین نیزکه آگاهانه خودرا هم‌سرنوشت رژیم ارتجاعی وتجاوزگرصدام حسین کرده‌اند، نمیتوانندسرنوشت دیگری جزشکست نظامی وسیاسی داشته باشند.

درزمینهٔ سیاسی توجهٔ خوانندهٔ گرامی را به سرمقالهٔ "راه توفان" شمارهٔ ۳۵ تحت عنوان "جنگ عمامه‌ها" جلب میکنیم. درآنجا نوشتیم:

"سیاست جنون آمیز ادامهٔ جنگ نارضایتی مردم را هرچه بیشتردامن زده وموج مقاومت مردم درمقابل فجایع جنگ راگسترش داده، چهارچوب جنگ عمامه‌ها درهم شکسته شده و

به جنگ داخلی جهت سرنگونی رژیم سراپا جنایت خمینی تبدیل خواهد گشت".

حال که سردمداران جمهوری اسلامی خود باین حقیقت پی برده و با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست خود سعی در نجات رژیم قرون وسطائی خود دارند، باید بدانند که تمامی اقدامات آنها در جامعه‌ای سخت بحرانی و در حال انفجار انجام میگیرد. آتش بس و یا حتی پایان احتمالی جنگ تازه مسائل و تضادهائی را در جامعه مطرح میکند که جنگ بعنوان "نعمت الهی" سالها روی آنها سرپوش گذاشته بود. این آتش زیر خاکستر اکنون شعله ور شده و همانند مسئله جنگ گریبان جمهوری اسلامی را خواهد گرفت، با این تفاوت که اینبار با پذیرش قطعنامه‌ای دیگر مسئله قابل فیصله نخواهد بود بلکه مردم آگاه با مبارزه انقلابی خود علیه ستم طبقاتی، خفقان، وابستگی اقتصادی و ستم ملی و ... "قتلنامه" رژیم جمهوری اسلامی را صادر خواهند کرد. پذیرش آتش بس نه تنها بلحاظ مطرح شدن مجدد معضلات اجتماعی و عدم توان رژیم قرون وسطائی در حل آنها جهشی است کیفی در روند سرنگونی رژیم، بلکه همچنین بلحاظ روانی نیز اهمیت بسزائی در درهم کوفتن روحیه حزب الله و تشدید بی سابقهٔ جنگ عامه‌ها دارد. اعتراف علنی خمینی به ناتوانی اجرای شعارهای خود از قبیل "جنگ جنگ تا پیروزی" و ...، طلسم "نیروی الهی و آسمانی" او را حتی نزد موء من ترین طرفدارانش شکاند و عملا به پیروی "سایهٔ خدا" از قوانین عادی جهان مادی رسمیت بخشید.

گرچه مسائل داخلی ایران زمینه عمده پذیرش آتش بس را تشکیل میدهد، ولی حوادث منطقه و اوضاع بین المللی نیز بدون تاءثیر بر آن نبوده است. بدنبال زدوخوردهای مسلحانه بین نیروهای سوریه و عوامل حزب الله در بیروت، ایران عملا تنها متحد خود را در منطقه از دست داد. وزیر دفاع سوریه رسما ایران را متهم به نگهداری گروگانهای خارجی در سفارت جمهوری اسلامی در بیروت نمود که موجب واکنش شدید در تکذیب آن توسط ایران گشت. از طرف دیگر سازمان تروریستی حزب الله بنام "جهاد اسلامی" بنا بنوشتهٔ نشریهٔ "الشراع" چاپ بیروت (بیان کننده مواضع سوریه) بخاطر اختلافات شدید داخلی، خود را منحل کرد. "الشراع" که برای نخستین بار ماجرای "ایران گیت" (فروش محرمانهٔ اسلحه آمریکا به ایران) را فاش ساخت، نوشت که سران "جهاد اسلامی" همدیگر را دستگیر کرده و یکی از مسئولین آن بنام حسین عزالدین ناپدید گشته است. عجلهٔ رفسنجانی در معامله گروگانها با امپریالیستهای غربی نمیتواند بدون رابطه با این تضعیف بی سابقهٔ قدرت حزب الله در لبنان باشد، همانطور که نوشیدن جام زهرآلود بی تاءثیر از آن نبوده است.

در سطح جهانی، بدنبال مذاکرات ریگان و گورباچف گرایشی مشاهده میشود که شاید بتوان آنرا "استعمار مسالمت آمیز" نامید. شوروی میخواهد گویا از افغانستان عقب نشینی نظامی نماید، آنگولا وارد مذاکره با آفریقای جنوبی شده است و ویتنام برنامه‌ای جهت خروج سربازان خود از کامبوج اعلان کرده است و ... در آمریکا، تبلیغات گسترده‌ای برای "مایکل دوکاکیس"، نامزد حزب "دموکرات" برای ریاست جمهوری در مقابل "جورج بوش" معاون ریگان و نامزد حزب "جمهوریخواه" انجام میگیرد. کارتل های سرمایه‌داران "غیرنظامی" خطاب به سوداگران بی واسطهٔ مرگ (اسلحه سازان) میگویند: "باندازهٔ کافی از جنگ و فروش اسلحه سود برده‌اید، اکنون نوبت ماست که جیب های خود را پر کنیم!"

مجموعه نکات مذکور در حکم شواهدی است دال بر توافق دوابر قدرت آمریکا و شوروی که در مقطع کنونی قصد دارند آتش جنگهای محلی را خاموش ساخته و با کنترل بیشتر اوضاع جهان تحت نظر مستقیم خویش و دخالت "مسالمت آمیز" در امور داخلی کشورها از طریق سیاست، اقتصاد و

دیپلماسی به چاپلوس خلق ها ادامه داده و از این طریق به ثبات بیشتری در مناطق تحت نفوذ خود برسند. این گرایش زمینهٔ بین المللی مساعدی را برای رسیدن به آتش بس در جنگ ایران و عراق فراهم ساخته است.

سازمان هواداران حزب کار ایران
در خارج از کشور

راه توفان
ارگان هواداران حزب کار ایران در خارج از کشور
خرداد ۱۳۶۷
ژوئن ۱۹۸۸
سال پنجم (۳۵)

جنگ عمامه ها

رفقای عضو هیئت تحریریه نشریه منتظری (مهدی هاشمی) را اعدام کردند.

پیام کمیته مرکزی حزب
بمناسبت سالگرد شهادت رفیق حمید بهمنی

رفقا! شما بمناسبت سالگرد شهادت یکی از رفقای برجسته و با سابقه درخشان حزب کار ایران و رهبر سندیکای کارگری بین المللی و فعالیتهای ثمربخش متنوع و خستگی ناپذیر او در راستای رشد جنبش کارگری و کمونیستی ایران و بین المللی، تجلیل از رفیق حمید بهمنی را وظیفه خود دانسته اید. ما نیز این وظیفه را...

یاد داشتهائی پیرامون کنگرهٔ هشتم حزب دمکرات و انشعاب اخیر

برگزاری کنگره هشتم حزب دمکرات کردستان ایران در بهمن ماه ۱۳۶۶ برای عموم مردم کردستان و نیروهای انقلابی مترقی بود تا پایه بتوانند تا طرح تحولاتی در سیاستهای حزب در قبال جنبش انقلابی خلق کرد، و به تبع آن مسئله گرهی و حاد جنگ داخلی در کردستان را حل کند. ولی معمولا کنگره هشتم نشان داد که علت سازشهای حاکم بر حزب دمکرات بسیار عمیق تر از خواستهای بحق مردم کردستان برای پایان بخشیدن به جنگ داخلی بوده و واقعیات و استراتژی عمومی حزب نیز در تقابل با آرمانهای ملی، ضد امپریالیستی خلق کرد است که سردمداران کنگره هشتم این بار نیز با توسل و کرنش سعی در تشویر یزه کردن (یا حفظ کردن) آن داشتند.

از طرفی کنگره هشتم حزب دمکرات بار دیگر فرصتی را برای رهبران خود فراهم ساخت تا بتوانند قسمی به گوش از دیگران کماکان به سازشهای از خود پرده غفلت و با تکرار همان الفاظ بی محتوا و فرمولهای قدیمی در شیپور "استقرار دمکراسی در داخل حزب" بدمند.

اما هنوز بیش از دو ماه از این کنگره که طبق ادعای رهبری حزب: "این واقعیت را روشن میسازد که حزب ما به دمکراسی و اصول دمکراتیک درون حزبی تا چه اندازه عمیقاً ایمان دارد" (۱) نگذشته بود که خبر انشعاب بخش وسیعی از اعضاء ملی و علی البدل کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و بخشی از کادرهای پیشمرگه های حزب، منتشر گردید. این گروه که در اطلاعیه ۶۷/۱/۱ بنام "رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران" موجودیت خود را اعلان نمود، از مجموع ۱۵ تن از اعضاء و مشاورین دفتر سیاسی و کمیته مرکزی را بهمراه داشت.

طبق اطلاعیه "رهبری انقلابی"، ریشه اختلافات و انشعاب اخیر را میبایست در رشد بایستی "تمایلات دیکتاتوری ما با نه و ضد دمکراتیک رهبری حزب و علی الخصوص در "زیرپا نهادن روشهای معمول و دمکراتیک در انتخابات حزبی و عدم رعایت اصول دمکراتیک در کنگره هشتم" جستجو کرد. در خصوص توضیح اختلافات سیاسی خود با رهبری حزب نیز مهمترین خطوط اندیشه و سیاستهائی را در بیانیه میگنجانند که: "انقلابات و رهنمودهای انحرافی را بسنگر "سازش با محافل امپریالیستی" و "تمایلات سازشکارانه و مذاکره جویانه با رژیم ضد خلقی و ارتجاعی جمهوری اسلامی"، قسمتهای مهم آنرا تشکیل میدهد. دیگر آنکه به اعتقاد "رهبری انقلابی" انحراف این سیاستها در روند عمومی خود موجب انزوای سیاسی حزب در میان مردم کردستان و نیروهای انقلابی گردیده و هدف رهبری همگی: "هدف نمایشهائی آنها سازش با محافل امپریالیستی و گریز از جبههٔ انقلاب چه در سطح ایران و کردستان و چه در سطح جهان بوده است".

نکات فوق که چنان "رهبری انقلابی" آنها را بعنوان اظهرمن الشمس، ارائه کرده و به نقد میکشد، طبیعتا مسائلی نیستند که تا بحال از چشم نیروهای انقلابی پنهان بوده و یا اینکه از ظهور این سیاستها در مرحلهٔ اینچنین حزب دمکرات بی خبر بوده اند بل دقیقا موارد نامبرده اختلاف ما بین سازمانهای انقلابی و حزب دمکرات است که در تکوین سیاستهای قهراً ناشی از حاکمیت حزب دمکرات در دامن زدن و اصرار بر ادامه جنگ برادرکشی در کردستان، در اعمال روشهای غیر دمکراتیک نسبت به نیروهای سیاسی در کردستان و... همواره مورد تکوهش قرار گرفته است. دیگر برکسی پوشیده نیست که تداوم سیاستهائی از جانب حزب دمکرات که بنا بر انقلاب در راه انقلاب سنگ اندازی کرده و تحت پوشش قلابی دمکراسی به غده دمکراتیک شرین شیوه ها چنگ میزند، حزب را هر روز بیش از پیش به انزوا کشانیده است. و دیگر برکسی پوشیده نیست که با همهمهٔ و کرنای تبلیغاتی، با هیچکتوری کنگرهٔ حزبی و با عبارات مطنطن در مورد دمکراسی، ولفاظیهای بیهوده نمیتوان برای توجیه سیاستهائی قلم زد که نه ربطی به انقلابی را نشده مردم کردستان تضعیف کرده و بیش از پیش حالت یأس، سرخوردگی و بی اعتمادی آنرا موجب میگردد.

در تبلیغات حزب دمکرات در مورد دمکرات بودن خود و "اعتقاد عمیق" به دمکراسی به گفتارهای شیرین برمیخوریم که همان "دمکرات نما" را آت میاندازد. بخشوان

بقیه در صفحه ۱۲

احزاب برادر

ZERIiPOPULLIT
ORGAN I KOMITETIT QENDROR TE PPSH

روزنامه "زری ای پوپولیت" ارگان کمیته مرکزی حزب کار آلبانی، مقاله ماهی پیرامون مبارزه انتخاباتی در آمریکا منتشر نموده است که فشرده ای از آن را در زیر می خوانید.

برنامه های همسان نامزدهای ریاست جمهوری

"کنوانسیون حزب جمهوریخواه هفته گذشته در نیواورلئان برگزار شد. در این کنوانسیون اوج روش به عنوان نامزد ریاست جمهوری و سناتور "دن کوایل" نامزد معاونت ریاست جمهوری برگزیده شدند. روش مرحله های پیش از انتخابات را تا کنون سادگی پشت سر نهاده است، زیرا از پشتیبانی همه جانبه و یگان برخوردار میباشد. و یگان اعلان نمود که روش سرپرست پیشین "سیا" و رئیس پیشین حزب جمهوریخواه را "رئیس جمهور آتی ایالات متحده خواهد ساخت".

کنوانسیون حزب دموکرات نیز ماه گذشته در اتلانتا برگزار گردید و برای نخستین بار پس از ۲۰ سال تنها یک کاندیدا - مایکل دوکاکیس، فرماندار ماساچوست را به نامزدی ریاست جمهوری برگزید. دوکاکیس برای

بقیه در صفحه ۱۵

نشانی

برای تماس با راه توفان
در آلمان
TOUFAN
POSTFACH NR.1463
6500 MAINZ
W. GERMANY

در سوئد
TOUFAN
BOX 10025
58010 LINKOPING
SVERIGE

شماره حساب
"TOUFAN", MAINZ
VOLKSBANK GIESSEN
BANKLEITZAHL: 51390000
KONTO NR. 5.3065.12
W. GERMANY

برای کمکهای مالی

زنده باد انترناسیونالیسم پرلتری